

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۵

نقد استراتژی «تیموتی فرنیش» در تغییر دکترین مهدویت

زهرا علیمرادی^۱

محمدهادی منصوری^۲

چکیده

باورداشت مهدویت، شاخص عقیدتی شیعه و از مقبولات اهل سنت به شمار می‌رود و دشمنان اسلام و دگراندیشان در طول تاریخ، با هدف تضعیف، تخریب و دگرگونی آن، فعالیت‌های گوناگونی انجام داده‌اند. از این رو برای دفاع و گسترش فرهنگ صحیح مهدویت، بررسی چگونگی فهم متفکران غربی از عقیده مهدویت و چگونگی القای آن، ضرورتی انکارناشدنی است. کتاب *مقدس‌ترین جنگ‌ها* اثر تیموتی فرنیش - که یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌های مستشرقان درباره اسلام با موضوعیت جهاد و مهدویت به شمار می‌آید - از جمله آثاری است که به مسئله مهدویت پرداخته است. سنگ بنای اندیشه فرنیش آن است که دیدگاه‌های اهل سنت را دیدگاه اسلام برشمرده و به شیعه نگاهی حاشیه‌ای دارد. از آن‌جا که علمای اهل سنت درباره آموزه‌های مهدویت به دو دسته مخالفان و موافقان تقسیم می‌شوند، فرنیش سعی کرده چالش‌های پیش روی مهدویت را در میان اهل سنت بیان کند، اشکالات مخالفان مهدویت را مطرح نماید و پاسخ معتقدان به مهدویت را نقل کند. در این راستا دیدگاه‌های خود را نیز به طور سربسته اشراب می‌کند، به گونه‌ای که اشکالات را پررنگ جلوه می‌دهد و پاسخ‌ها را توجیهی و

۱. دانشجوی دکتری معارف اسلامی دانشگاه تهران - نویسنده مسئول (z.alimoradi@ut.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم.

کم‌ارزش می‌نمایند. از نظر وی، اهل سنت مهدی‌گرا برای اثبات ادله خود به راه‌حل‌های ارائه شده توسط شیعه متوسل شده و مخالفان مهدویت نیز به دستاویزهای عقلانی متفکران غربی نظیر فوکویاما تمسک می‌جویند. در نهایت به نظر می‌رسد فرنیس از نگاه یک غربی مسیحی درباره دیدگاه مسلمانان به دنبال اصلاحاتی به سبک غرب‌گرایانه است که بتواند از این راه، با ایجاد رویکرد اعتدالی، مواجهه مسلمانان انقلابی و معتقد به مهدویت با غرب را از حالت مخاطره‌آمیز بودن برهاند و اندیشه مهدویت را در عمل خنثی سازد. نوشتار حاضر ضمن بیان نکات قوت کتاب فرنیس، استراتژی وی را در بوته نقد قرار داده است.

واژگان کلیدی

مستشرق، اهل سنت، مهدی‌گرا، اسلام غربی شده، منتظر غیرانقلابی.

مقدمه

از بنیادی‌ترین مباحث اعتقادی اسلام، مهدوی‌باوری است. با مطالعه منابع اسلامی درمی‌یابیم که باور به آمدن مصلح و منجی در انتهای تاریخ، از جمله اساسی‌ترین و بدیهی‌ترین مؤلفه‌های فکری و کلامی تمام فرقه‌های مذهبی به شمار می‌رود. افزون بر مذاهب اسلامی، در تمام ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی (سامی و غیرسامی) نیز این اعتقاد، به گونه‌های متفاوت به چشم می‌خورد و همه مذاهب، آرمان نهایی جوامع بشری را ظهور و تجلی شخصیتی آسمانی و منجی‌ای دینی می‌دانند. بر این اساس، بسیاری از دین‌پژوهان غربی به موضوع مهدویت پرداخته‌اند و مباحثی همچون منجی‌گرایی، بازگشت مسیح، هزاره‌گرایی، نجات و رستگاری، انتهای تاریخ و امثال آن را بررسی کرده‌اند و درباره نگرش ادیان به آخرالزمان و منجی‌گرایی، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته‌اند. برخورد مستشرقان با مهدویت نیز به دنبال ظهور متمهدیانی چون مهدی‌سودانی یا مطالعه کتبی مانند *مقدمه ابن‌خلدون* بوده که احادیث مهدویت را مجعول و نادرست می‌شمردند.

انتخاب زیرکانه نام کتاب *جنگ‌های مقدس: مهدویت اسلامی، جهاد آنان و اسامه بن‌لادن* با نام کامل *Holiest Wars: Islamic Mahdis, Their Jihads, and Osama bin Laden* توسط تیموتی فرنیس، نشان می‌دهد آن‌چه در مفهوم غربی تروریسم شناخته می‌شود، مصداقی از جنگ‌های مقدس تحت مفاهیم جهاد و مهدویت اسلامی به شمار می‌آید و اسامه بن‌لادن از افراد شاخص این عقیده است. عنوان فصل چهارم - که محور بحث به شمار می‌رود - در جای

خود قابل تأمل است. «مهدی غیرواقعی معاصر»^۱ به منزله رهبران قیام‌هایی است که از نگاه غربیان، رهبری تروریست‌ها را به عهده دارند و احتمال دارد مهدی‌وار در عصر حاضر ظهور کنند.

این نوشتار در واقع انعکاسی از فهم غربیان نسبت به دیدگاه‌های عامه مسلمانان در موضوع مهدویت به شمار می‌آید و در این راستا اهداف استشراق در زمینه ایجاد تغییر در دکترین مهدویت میان مسلمانان قابل توجه است. برای مواجهه صحیح با دیدگاه‌های مستشرقان در موضوع مهدویت، باید چرایی و چگونگی فهم آن‌ها درباره مهدویت را شناخت و به خاستگاه آن دست یافت. در این صورت است که می‌توان رفتاری بجا و مناسب در دفاع از اندیشه‌های اسلامی ارائه نمود. آن‌چه برای حضور و ایفای نقش در حیطه‌های بین‌المللی و بین‌ادیانی بدان نیاز داریم، درک اندیشه غربی از اسلام و ارائه اندیشه صحیح اسلامی برای جلوگیری از سوء برداشت توسط طرف مقابل است.

در این مقاله ابتدا زیست‌شناختی از تیموتی فرنیس - نویسنده کتاب *جنگ‌های مقدس* - همراه با برخی نظریات وی درباره اسلام و مهدویت ارائه می‌شود. آن‌گاه پس از اشاره به پیشینه مسئله و روش کار نویسنده، بخشی از رئوس مطالب مطرح شده در فصل چهارم کتاب، با نام «مهدی غیرواقعی معاصر» بیان می‌شود و در پایان، نقاط قوت و ضعف نگارش ذکر می‌گردد.

پیشینه مسئله

فعالیت مستشرقان در بررسی دیدگاه مسلمانان و نتایج به دست آمده از آن در اوضاع سیاسی و اجتماعی، در قرن اخیر رو به افزایش بوده است. حوزه‌های فعالیت مستشرقان به اندازه تنوع مباحث اسلامی، گسترده و مختلف است. برخی از آنان به صورت تخصصی، پیرامون موضوع مهدویت و آخرالزمان تحقیق می‌کنند که از این رهگذر، مدیریت فرهنگی و رسانه‌ای و نیز تحولات منطقه‌ای متأثر از آن را بهتر کنترل نمایند. بررسی تلاش استشراق در تعیین مسیر برای راهبردها و دکترین‌های فرهنگی، سیاسی و نظامی معاصر، ثمربخش است. تغییر در نگرش به مقوله مهدویت در میان مسلمانان، از جمله این دکترین‌های فرهنگی به شمار می‌رود؛ بدین معنا که مستشرقان از جانب مسلمانان معتقد به مهدویت،

1. The Virtual Mahdi Today

احساس خطر کرده‌اند و با حرکتی خزنده‌وار، سعی در به چالش کشاندن این عقیده دارند. در مرتبه دیگر، می‌کوشند از میزان تأثیر اعتقاد به مهدویت بکاهند؛ چرا که تأثیر مهدویت در انقلاب‌ها و حرکت‌های ظلم‌ستیزانه در برابر دولت‌های کشورهای اسلامی یا استعمارگران غربی، امری مناقشه‌ناپذیر است.

دکتر تیموتی فرنیش ۵۶ ساله، یکی از مهم‌ترین کسانی که مهدویت را به عنوان موضوع کاری خود انتخاب کرده و دیدگاه‌های وی مورد استقبال مخاطب غربی نیز قرار گرفته است. با وجود فعالیت قابل توجه وی در سایت‌ها و نیز انتشار مصاحبه‌های فراوان از او، تنها یک کتاب چاپ شده به نام *جنگ‌های مقدس: مهدویت اسلامی، جهاد آنان و اسامه بن لادن* دارد. این کتاب به گفته خود وی، برای پرداختن به زمینه‌های مهدی‌گرایانه در ایجاد حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نگاشته شده و در سال ۲۰۰۵ انتشار یافته است. کتاب یادشده مشتمل بر شش فصل است: ۱. مهدویت چیست و از کجا آمده است؟ ۲. جنبش‌های مهدی‌گرا در طول تاریخ؛ ۳. مقابله‌کنندگان با مهدویت، عقاید و خط‌مشی‌ها؛ ۴. مهدی‌غیرواقعی در عصر حاضر؛ ۵. ضد‌مهدی‌گرایان عصر مدرن؛ ۶. نتیجه: چه کسی مهدی بعدی خواهد بود؟

معیار این نوشتار، فصل چهارم کتاب است و به بخش‌هایی اختصاص دارد که در پایان‌نامه *بررسی و نقد نظریات تیموتی فرنیش و جوئل ریچاردسون در زمینه مهدویت*، بررسی نشده‌اند. از این رو در نوشتار پیش رو، موازی‌کاری رخ نداده است. گفتنی است نگاه فرنیش به جامعه اسلامی - همان‌طور که خود می‌گوید - از دریچه عرب زبان‌هاست؛ به این معنا که تنها کتب عربی را معرفی و بررسی کرده است. البته در بخشی از کار خود به سایت‌های انگلیسی نیز می‌پردازد، ولی عمده هندسه بخش چهارم در معرفی دیدگاه مسلمانان نسبت به مهدویت، حول کتاب‌هایی به زبان عربی است. یکی از علل این مسئله، تسلط فرنیش به زبان عربی می‌تواند باشد و به سبب ناآشنایی با زبان‌های دیگر مسلمانان مثل اردو یا فارسی، به آن‌ها اهمیتی نداده است. بنابراین در انتخاب عناوین کتاب خود نیز به عربی بودن کتاب‌های مورد بررسی‌اش تصریح می‌کند. همین غفلت عامدانه یا کاهلانه مستشرقان است که به ارائه توصیفات ناقص یا اشتباه انجامیده و در پایان به نتایجی صحیح دست نمی‌یازند. البته وی کوشیده است افزون بر بیان دیدگاه عامه مسلمانان، برای تکمیل بحث خود، به شبیحی از دیدگاه شیعه نیز به عنوان «عصاره‌ای از گفتمان مهدویت شیعی» اشاره کند.

زیست‌شناخت تیموتی فرنیش

تیموتی آر فرنیش^۱ متولد ۱۹۶۰م، از جمله نویسندگان و پژوهشگران غربی است که درباره مهدی‌گرایی اسلامی، به نگارش مقاله و کتاب، اقدام است. فرنیش، شخصی نویسنده، ویرایش‌گر و استاد دانشگاه است که کارشناسی ارشد خود را از مدرسه علوم دینی کونکوردیا در سنت لویس و دکتری خود را در تاریخ اسلام، از دانشگاه ایالتی اوهایو در سال ۲۰۰۱ گرفته و بیش از هفت سال است که با سمت استادیار در دانشگاه جورجیا مشغول به تدریس است. فرنیش - که خود را از نظر مذهبی، پیرو کلیسای پروتستانی لوتری می‌داند - یکی از شخصیت‌های مطرح کلیسای لوتری «ریورکلیف» در «سندی اسپرینگ» جورجیاست. از جمله تخصص‌هایی که برای وی برشمرده‌اند، عبارت‌اند از «جنبش‌های مهدی‌گرایانه»، «شیعه» (تمامی شاخه‌ها)، «فرق اسلامی»، «حرکت‌های چندملیتی اسلامی»، «تصوف»، «اسلام در آفریقا و جنوب آسیا»، «ایران»، «تاریخ اسلام و تاریخ عثمانی»، «آخرت‌شناسی»، «جهادگرایی». فرنیش پیش از دوران تحصیلات تکمیلی در بخش جاسوسی ارتش آمریکا به عنوان بازجوی زبان عربی و گاهی کشیش هنگ حضور داشت و پس از سربازی، دکترای تاریخ اسلام را اخذ کرد. تنها کتاب او که - پیش‌تر بدان اشاره شد - پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نوشته شده است. در این کتاب ادعا شده که وقوع حادثه مذکور، به دلیل وجود زمینه‌های مهدی‌گرایانه در بین مسلمانان است. فرنیش نسبت به اسلام، قرآن و پیامبر اسلام ﷺ نظریاتی بدبینانه ارائه می‌کند. وی همچنین از برخورد بد اسلام با دیگر ادیان به ویژه یهودیان یاد کرده و چهره خشن و جنگ‌طلبی از اسلام معرفی نموده است، به طوری که از دیدگاه وی در دین اسلام، گردن زدن، روش مورد علاقه برای اعدام به شمار می‌آید. با این حال، او از حامیان ترویج فرقه‌های میانه‌رو برای اصلاح اسلام است. وی مانند اغلب مستشرقان، به منابع شیعی ارجاع قابل‌ذکری نمی‌دهد و بیشتر به صحیحین نظر دارد.

فرنیش در چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت در ایران (۱۳۸۷ ش / ۲۰۰۸ م) با ارائه یک مقاله شرکت کرد و بعدها هدف ایران از برگزاری کنفرانس‌های مهدوی را این‌گونه بیان نمود:

ایران از همایش دکترین مهدویت به دنبال دو هدف است: ۱. تلاش برای گسترش

1. Timothy R. Furnish

مهدویت در میان مسلمانان سنی مذهب (شیعیان ایران می‌خواهند در رقابت با عربستان سنی مذهب، رهبری کشورهای اسلامی را به عهده گیرند و در این راه از مهدی به عنوان اهرم استفاده می‌کنند)؛ ۲. افزون بر این، آیت الله‌های ایران می‌خواهند توجه جهان غیرمسلمان را نیز از راه نمایش تجلی منجی یهودیان و مسیحیان در امام دوازدهم - مهدی - جلب کنند. (دهقانی آرانی، ۱۳۹۴: ۱۸-۴۴)

روش کارفرینش در فصل چهارم کتاب

تیموتی فرنیس، در فصل چهارم از کتاب *مقدس‌ترین جنگ‌ها* با عنوان «مهدی غیرواقعی معاصر»، به ترتیبی که در ذیل آمده، مطالب فصل را سامان داده است. وی اطلاعات و ادراکات خود از جامعه مسلمانان - بیشتر اهل سنت و کمتر شیعه - درباره عقیده مهدویت بیان کرده و دیدگاه‌های تلویحی و گاه صریح خود را در میان آن گنجانده است. در این نوشتار سعی شده است از طریق تجزیه و تحلیل این فصل، روش‌ها و اهداف تحقیق وی روشن گردد. آنچه فرنیس در این فصل می‌گوید، عبارت است از:

۱. گزارش تاریخی از شروع مجدد بحث مهدویت در جامعه اسلامی؛
۲. بیان ضرورت بحث مهدویت به علت خطرات تروریستی آن برای غرب؛
۳. معرفی ۱۳ مورد از کتاب‌های اهل سنت به زبان عربی با موضوع - اصلی یا فرعی - مهدویت، همچنین معرفی سایت‌های عربی و انگلیسی با محوریت مهدویت؛
۴. تقسیم‌بندی دیدگاه‌های نویسندگان اهل سنت معاصر به دو گروه حامی و مخالف مهدویت؛
۵. بیان چالش‌های پیش روی حامیان مهدویت از سوی مخالفان در شش مورد به صورت پراکنده؛
۶. اشاره به وجود تلاش توجیه‌گرایانه از سوی حامیان مهدویت برای اثبات وجود منجی آخرالزمان به نام مهدی [علیه السلام]، در یک سیر تکراری و تقلیدی؛
۷. ذکر بسیار جزئی از دیدگاه‌های شیعه به عنوان بحث تکمیلی در زیرمجموعه حامیان مهدویت؛
۸. نتیجه‌گیری.

روایت فرنیس در فصل چهارم کتاب خود

فرنیس در فصل یادشده، در مقدمه‌ای نسبتاً طولانی، پس از بیان تاریخچه‌ای از بحث مهدویت، متذکر رشد و گسترش اعتقاد به مهدویت در میان کشورهای اسلامی اعم از

شیعه و سنی می‌شود.

نخست یادآور می‌شویم که در این بخش از کتاب، عبارت «اعراب سنی» استفاده شده و علت آن، تعبیری است که فرنیش در اثرش به کار برده است. گویا تمرکز یا تعریف وی از کشورهای اسلامی، تنها اهل سنت و آن هم صرفاً عرب‌زبانان است. همچنین وی نسبت به توسعه این تفکر و نتایج به دست آمده هشدار می‌دهد؛ از جمله افزایش حملات تروریستی مهدی‌گرایی برای ایجاد زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نیز افزایش جرقه‌های انقلاب بین کشورهای سنی.

مؤلف معتقد است توجه به بحث مهدویت مربوط به حادثه قیام قحطانی (۱۴۰۰ق/ ۱۹۷۹م) در عربستان است. این قیام سرکوب شد، ولی مباحث مهدویت پس از آن رو به رشد نهاد. گسترش ابعاد کلامی و تئوری عقیده مهدویت آن‌چنان افزون شد که در سال ۱۹۷۶ «سازمان جهان اسلام» (رابطة العالم الاسلامی)^۱ در وجوب اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام فتوایی صادر کرد و انکار آن را بدعت و بی‌توجهی به سنت دانست:

حافظان و دانشمندان حدیث تصدیق کرده‌اند که گزارش‌های موثق و قابل قبولی درباره مهدی علیه السلام بین احادیث وجود دارد که اکثر آن‌ها از طریق تعداد کثیری از مراجع روایت شده است. درباره جایگاه آن‌ها به عنوان گزارش‌های متواتر و دقیق شکی نیست و اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام واجب است... کسی آن را انکار نمی‌کند، مگر کسانی که یا نسبت به سنت غافل‌اند و یا در اصول بدعت‌گذاراند. (Furnish, 2005: 86)

از نظر فرنیش، مهدی‌گرایی در میان اهل سنت، تفکری غالبی است و به همین دلیل، بحث مهدویت برخلاف گذشته، موضوعی مناقشه‌انگیز در محافل علمی آن‌ها به شمار نمی‌رود. علت برخورد با این اعتقاد در گذشته، احتمالاً به دلیل ظهور مهدیان دروغین مثل القحطانی و العتیبی - که از متمهدان معاصر به شمار می‌روند - بوده است.

محمد بن عبدالله قحطانی (المهدی القحطانی) در روز اول محرم سال ۱۴۰۰ق (نوامبر

۱. رابطة العالم الاسلامی، سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۹۶۲م برابر با ۱۳۴۲ش با بودجه عربستان در مکه تأسیس شد. اهداف این سازمان شامل تبلیغ دین اسلام، شرح مبانی آن و مقابله با شبهات وارد شده، دفاع از مسائل و مواضع اسلام و ارائه خدمات اسلامی درباره موضوعات تربیتی، آموزشی، فرهنگی و بهداشتی است. این سازمان در فعالیتهای تبلیغی خود، از آخرین امکانات و اطلاعات روز، سود می‌برد. مراکز و دفاتر رابطة العالم الاسلامی در مناطق مختلف از جمله آفریقا، امریکا و اروپا، فعال‌اند (سازمان رابطة العالم الاسلامی، ۱۳۸۵: ۳۶-۳۸).

۱۹۷۹م) در مکه خروج کرد و به همراه جهیمان بن محمد بن سیف العتیبی - متحد خود - مسجد الحرام را به اشغال درآورد. حکومت عربستان از همان لحظات نخستین تلاش می‌کرد این مشکل را بدون اعمال خشونت و از طریق گفت‌وگو حل کند و جهیمان تسلیم شود و با خروج از حرم، گروگان‌ها را آزاد کند، اما او نپذیرفت. به این ترتیب برگزاری نماز و مراسم عبادی دیگر در مسجد الحرام تعطیل شد و نیروهای حکومتی و افراد طرفدار جهیمان و محمد بن عبدالله شروع به تیراندازی به سوی هم کردند. جنگی سخت در گرفت و مسجد الحرام در این حوادث، آسیب زیادی دید. حکومت عربستان نیروهای خود را با پشتیبانی کماندوها و نیروهای ویژه، در عملیاتی گسترده وارد کار کرد. این نیروها از تجهیزات و سلاح‌هایی پیشرفته برخوردار بودند که جهیمان و پیروانش با آن آشنایی نداشتند. شمار زیادی از پیروان جهیمان کشته شدند و در این میان داماد جهیمان، محمد بن عبدالله نیز - که آنان ادعا می‌کردند مهدی موعود است - کشته شد. با کشته شدن وی، ضربه‌ای سخت به پیروان جهیمان وارد آمد. آن‌ها گمان می‌کردند او نخواهد مرد، از این رو دچار تزلزل شدند. در پی آن، جهیمان و بقیه پیروانش تسلیم شدند. پس از مدتی کوتاه، دادگاه عربستان حکم اعدام ۶۱ نفر از اعضای این گروه را صادر کرد و جهیمان نیز جزو محکومان به اعدام بود (الساده، ۱۳۸۷).

نویسنده از حوادثی مهم یاد می‌کند که هر کدام می‌توانست بهانه‌ای برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد. همچنین معتقد است وقوع این رخدادها بزرگ، زنگ خطر مهدویت را برای عربستان به صدا درآورده که اجازه حرکت‌های مشابه را در حیطه قلمرو خود ندهد.

فرنیش جای این سؤال را برای مخاطب باز می‌کند که در آینده چه کسی می‌تواند با جرقه‌ای انبار باروت عربستان را به آتش بکشد و رهبری قیام را به دست گیرد؟ وی در ادامه بیان می‌کند که این گزینه می‌توانست شخصی مثل اسامه بن لادن باشد یا رهبر صاحب نفوذ دیگری که هنوز در عرصه جهانی شناخته نشده است.

او پس از بیان جنگ شش روزه میان جمال عبدالناصر^۱ و اسرائیل می‌گوید:

از آن جا که امثال ناصر در قدرت بخشی دوباره جامعه مسلمانان با شکست مواجه شدند، شاید زمان آن بود که باید مهدی علیه السلام می‌آمد که آن چه ناصر می‌خواست انجام دهد را تمام کند. اگرچه با احتمال وجود وقایع بزرگ‌تر و مهم‌تر مثل انقلاب اسلامی ایران در سال ۷۹-۱۹۷۸ و همچنین قیام العتیبی در عربستان سعودی در همان زمان که این دو واقعه

۱. جمال عبدالناصر (۱۹۱۸ - ۱۹۷۰) دومین رئیس‌جمهور مصر است که از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۰ قدرت را به عهده داشت.

شمع پیش‌بینی و گمانه‌زنی درباره مهدویت را فروزان‌تر می‌کرد؛ یا جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰-۱۹۸۸ که نزدیک به یک میلیون (بیشتر ایرانی‌ها) کشته شدند؛ یا اولین جنگ خلیج فارس آمریکا در سال ۱۹۹۱ که در آن ارتش صدام حسین از کویت بیرون رانده شد؛ حمله به مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ و در نتیجه سرنگونی طالبان در افغانستان توسط آمریکایی‌ها، و آخرین مورد در سال ۲۰۰۳ درباره براندازی صدام حسین و سپس اشغال عراق به دست ایالات متحده. (ibid: 88)

از نظر تیموتی فرنیس، این وقایع آن قدر مهم بودند که باید حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کرد. نویسنده *مقدس‌ترین جنگ‌ها* چهل کتاب را به عنوان بهترین مشت از خروار کتاب‌های اهل سنت معاصر درباره مهدویت می‌داند که از سال ۱۹۶۷ منتشر شده‌اند. وی از بین چهل کتاب، تنها ۱۳ کتاب را بر اساس تاریخ چاپ معرفی می‌کند که به باور او از منابع اولیه موضوع مهدویت‌اند. وی در ادامه، به معرفی کتب معاصر اهل سنت با محوریت موضوع مهدویت می‌پردازد و دیدگاه‌های آنان را به دو گروه طرفدار و مخالف مهدویت تقسیم می‌کند. البته در فصل مورد بررسی، به طور تفصیلی به بررسی دیدگاه موافق پرداخته و گروه دیگر در سایر فصل‌های کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد، اگرچه در فصل حاضر، به طور ضمنی به بیان دیدگاه‌های مخالف نیز پرداخته است. او تنها به ۱۳ کتاب از اهل سنت معاصر با رعایت تاریخ نگارش به آن‌ها اشاره می‌کند.

باید پرسید در حالی که در بین کتب اهل سنت، منابعی بسیار قدیمی‌تر به عنوان منبع اولیه احادیث مهدویت وجود دارد، کتاب‌هایی که نهایتاً قدمتی نزدیک به پنجاه سال دارند، چگونه منبع اولیه حدیثی شناخته می‌شوند؟ از این‌رو می‌توان کتب اهل سنت را به دو گروه عمده تقسیم کرد:

۱. کتب عمومی که موضوع مهدویت در ذیل آن‌ها بحث شده است؛ مانند *المصنف صنعانی* (۲۱۱ ق)، *الفتن* (۲۲۹ ق)، *الکتاب المصنف فی الاحادیث والاثار* (۲۳۵ ق)، *مسند احمد بن حنبل* (۲۴۱ ق)، *صیحیحین و سنن اربعه* (قرون ۳ و ۴ ق)، *المستدرک* (۴۰۵ ق)، *فرائد السمطین* (۷۲۰ ق) و *الصواعق المحرقة* (۹۷۳ ق)؛

۱۳

۲. کتب اختصاصی مهدویت، از جمله سه کتاب از ابونعیم اصفهانی (۴۲۰ ق)، *البیان فی اخبار صاحب الزمان* (قرن ۷)، *عقد الدرر فی اخبار الممتظر* (قرن ۷)، *العرف الوردی فی اخبار المهدی* (۹۱۱ ق)، *القول المختصر فی علامات المهدی* (۹۷۴ ق)، *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان* (۹۷۵ ق) (فقیه ایمانی، ۱۳۷۶: ۱۰۱). در بخشی از کتاب *اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن*، نام

۱۵۲ اثر تألیفی اعم از کتاب، رساله و مقاله از علمای اهل سنت درباره حضرت مهدی علیه السلام همراه با توضیحی مختصر گردآوری شده است. این کتاب ردی بر مقاله پروفیسور روحی - رئیس دانشگاه الهیات ترکیه - است.

از نظر فرنیس، اهل سنت حامی مهدویت، در مجموع با شش مشکل مواجه‌اند که مورد آخر، شدیدتر است:

۱. روایات مهدویت از نوع احادیث ضعیف‌اند. وی می‌نویسد:

مبلغان و حامیان مهدویت باید با دو نقطه ضعف بالقوه در احادیث مهدویت مواجه شوند: یکم، این حقیقت وجود دارد که بسیاری از روایات درباره مهدی علیه السلام، در طول قرن‌ها توسط محدثان مسلمانان تحت عنوان «حدیث ضعیف» طبقه‌بندی شده است؛ به این معنا که اتصال ضعیفی میان سلسله روایان تا [حضرت] محمد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد. (ibid: 91)

۲. غالباً به عنوان جعلیاتی معرفی می‌شوند که از سوی شیعه وارد منابع اهل سنت

شده است:

مشکل دیگری که بالقوه برای عقیده مهدویت بسیار مخرب‌تر است، ادعایی غالباً تکراری مبنی بر این است که روایاتی با موضوع مهدی علیه السلام، جعلیاتی است که توسط شیعیان و دیگر مبلغان منحرف مسلمان در طول قرن‌ها میان احادیث موثق گنجانده شده است. چنین احادیث مردودی معمولاً با عناوین «تزویر»، «جعلی»، یا «تدلیس» نیز توصیف شده‌اند. (ibid)

همچنین طرفداران مهدویت گاهی تصدیق می‌کنند که برخی از پرسروصداترین حامیان مهدی‌گرایی در طول قرن‌ها، مشکوک به صوفی‌گری بوده و برخی از آن‌ها تفکر زندیق داشته‌اند. بنابراین شاید تفکر ایشان به صورت تدریجی و پنهانی در دکتترین مهدویت خزیده باشد. اما از آن جایی که یکی از عمده نقدهای مخالفان مهدویت، احتجاج بر این مسئله است که صوفیه به سادگی از خطاهای موجود در اندیشه مهدویت شیعی نسخه‌برداری کرده، از قبیل ادعای اضافه شدن به بیانات قرآن و حدیث و همچنین ادعای درج توهم، خیالات و اسطوره درون بدنه دکتترین مهدویت. گاهی اوقات معتقدان به مهدویت، به نظریات صوفیه از جنبه‌ای بسیار سازگارانه استشهاد می‌کنند؛ برای مثال، از سید ابوعلا المودودی (م ۱۹۷۹) - پاکستانی مشهور، اسلام‌گرای تندرو و روشنفکر نواصولگرا - نقل شده که گفته است: «مهدی علیه السلام شبیه به یک صوفی خواهد بود». (ibid: 94)

فرنیس در جایی دیگر می‌گوید:

گلدزبهر معتقد است مفهوم مهدویت، ریشه در متذمرون [شاکیان] دارد. آن‌ها کسانی بودند که نسبت به قوانین بنی‌امیه شکایت داشتند. (ibid: 92)

وی همچنین درباره چگونگی درج روایات مهدویت از جانب شخصی به نام عبدالله بن سبأ سخن می‌گوید:

عقیده شیعه درباره غیبت امام غایب یا مهدی [علیه السلام] به عنوان عقیده‌ای نادرست در پیش‌بینی بر اساس احادیث ضعیف، مورد تمسخر قرار گرفته است. این عقیده نادرست ممکن است از طریق دخل و تصرف در اسناد حدیثی شیعه توسط بدعت‌گزاران به جای حدیث صحیح - که همان عقیده اهل سنت است - رخ داده باشد. عقیده اهل سنت این است که مهدی [علیه السلام] به دنیا خواهد آمد و در فرصتی در آینده حرکتی رو به جلو خواهد داشت. نظریه دیگر خاطر نشان می‌کند منبع این دکتربین ارتدادآمیز از سوی شیعه، شخصی به نام عبدالله بن سبأ است. او فردی یهودی بود که در صدر تاریخ اسلام، مسلمان شد. گفته می‌شود او متمسلم بود و به دروغ مسلمان شد. وی کسی بود که در نهایت می‌خواست به سبب عقیده غیرعقلایی مفهوم منجی غایب در شیعه، از ریشه به اقتدار جدید اسلام صدمه بزند. (ibid: 93)

۳. مهدویت ریشه در ادیان دیگر دارد و به نوعی عقیده‌ای وارداتی است. از جمله اشکالات مطرح شده، درباره ریشه دخیل و غیر اسلامی عقیده مهدویت است و پاسخ‌های داده شده، قانع‌کننده نیستند:

ادعا می‌شود مهدویت، عقیده‌ای بیگانه است که از طریق آیین یهود، مسیحیت یا حتی بت پرستان و شاید زرتشتیان یا مردم خاور نزدیک وارد اسلام شده است. در پاسخ به این شبهه نیز مهدی‌گرایان دوباره به روایات پذیرفته شده مهدویت پناه می‌برند؛ با این توجیه که معنای مورد نظر وجود او [مهدی علیه السلام] در ادیان دیگر، امتداد مهدویت در اسلام است. (ibid: 94)

۴. مخالفت برخی علمای شاخص با مهدویت:

ابن خلدون برای مهدویت اعتباری قائل نیست. این عقیده او مشهور است و مهدی‌گرایان با بی‌میلی بر وجود این عقیده ابن خلدون اعتراف می‌کنند. همچنین دو تن از متفکران اخیر به عقیده ابن خلدون گرایش دارند؛ [نفر نخست] محمد عبده (۱۹۰۵م) - نویسنده اصلاح‌گرا و مفتی مصری - و [دیگری] رشید رضا (۱۹۳۵م) - شاگرد و مرید سوری عبده با گرایش اسلام‌گرایی متعصب و حامی احیای خلافت اسلامی - است. عبده و رضا با عتابی بسیار شدید درباره ادعای مورد مناقشه، در اعتراضی جدل‌آمیز در رد مهدویت، عقیده دارند تنها مهدی حقیقی، عیسی [علیه السلام] بوده و هست. (ibid: 91)

۵. اهل سنت مهدی گرا، باید مراقب اتهام شیعی شدن نیز باشند:

سنی‌های مخالف مهدویت - که از ابن‌خلدون و به مقدار کمتر، از رشید رضا تأثیر پذیرفته‌اند - اغلب از مهدویت به عنوان چهره شیعی سخن می‌گویند. بنابراین، طرفداران مهدویت برای نشان دادن حسن نیت خود در عقیده ضدشیعی، باید خود را از این برچسب و اتهام احتمالی مبرا سازند که بتوانند از دیدگاه خود دفاع کنند. (ibid: 90)

۶. فقدان احادیث مهدویت در صحیحین (بخاری و مسلم) بحران اصلی روایات

مهدویت است:

یکی از شدیدترین انتقادات بر مهدویت، از فقدان آن در کتب دو شخص از محترم‌ترین گردآورندگان حدیث، بخاری و مسلم ریشه می‌گیرد. (ibid)

فرنیش ادعا می‌کند این اشکالات را از سوی نویسندگان سنی مخالف عقیده مهدویت استخراج کرده است. بر همین اساس، پاسخ‌های سنی‌های حامی مهدویت را نیز بیان می‌کند. با این حال، لحن فرنیش در نقل پاسخ‌های اهل سنت به گونه‌ای توجیه‌آمیز بیان شده که مخاطب متوجه شود او قانع نشده است. از نظر وی، در پاسخ به دو اشکال نخست، غالباً این موارد مشاهده می‌شود:

الف) مطلق احادیث بر ضعف آن‌ها غلبه دارد. گویا مقصود فرنیش این است که در نگاهی کلی، احادیث مهدویت هرچند ضعیف هم باشند، اما ضعفشان به گونه‌ای نیست همه آن‌ها را کنار بگذاریم.

ب) احادیث مهدویت متواترند. فرنیش در کتابش برای واژه متواتر، معادل «قطع نشده یا unbroken» را به کار برده است (ibid)، در حالی که تواتر صرفاً به اتصال سند اشاره نمی‌کند، بلکه تعداد راویان و به عبارتی «روایت گروهی» آن نیز مد نظر است، به گونه‌ای که هماهنگی ایشان بر دروغ بعید باشد. از نظر عالمان سنی، خبر متواتر، زیرمجموعه خبر صحیح، بلکه حسن است؛ زیرا عنوان متواتر را از اصطلاحات مشترک میان خبر صحیح و حسن می‌دانند. اما متواتر در نظر عالمان شیعه، خبر متواتر قسیم خبر صحیح است، نه زیرمجموعه آن (رحمانی، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

ج) بسیاری از احادیث مهدویت، صحیح‌اند. گفتنی است حدیث صحیح از نظر اهل سنت، آن است که شخص عادل تامّ الضبط - یعنی دارای حافظه‌ای قوی - با سند متصل آن را روایت کند و داری شدوذ و علت قادح نباشد. علت قادح، یعنی در روایت چیزی باشد که مشخص کند

روایت، اشتباه یا ساختگی است (شهرورزی، بی تا: ۱۰۴، ۱۰۶).

۵) جعلی نامیده شدن احادیث مهدویت از سوی حاکمان سیاسی ظالم مطرح شده است که پایه حکومتشان متزلزل نشود.

فرنیس در ادامه معتقد است سنی‌های مهدی‌گرا برای توجیه اشکال اساسی ششم، مسیری مشخص طی می‌کنند:

یکم. ابتدا به راحتی فقدان احادیث مهدویت در صحیحین را می‌پذیرند، اما سعی در کم‌رنگ جلوه دادن آن و جبران این کمبود توسط جوامع حدیثی دیگر دارند:

یکی از شدیدترین انتقادات بر مهدویت، از فقدان آن در کتب دو شخص از محترم‌ترین گردآورندگان حدیث، بخاری و مسلم ریشه می‌گیرد. ادبیات معنادار طرفداران مهدویت با این محرومیت از دو طریق اصلی برخورد می‌کند. به آسانی فقدان تصدیق دو شیخ محدث درباره مهدویت را می‌پذیرند، اما این حقیقت [مهدویت] را به دلیل وجود ارجاعاتی درباره مهدی (عجله الله تعالی فرجه) در جوامع روایی دیگر ارزشمندتر می‌شمرند یا دست کم موجب متوازن شدن اسناد مهدویت می‌شود. (ibid)

دوم. مهدی‌گرایان ادعا می‌کنند این دو منبع مهم به شکل ضمنی به موضوع مهدویت اشاره می‌کنند:

طرفداران مهدویت ادعا خواهند کرد که بخاری و مسلم در واقع به صورت غیرمستقیم یک بار از مهدویت و منجی آینده نام برده‌اند؛ در روایاتی از قبیل «امام شما پیش روی شماس است» یا «یک خلیفه از قریش خواهد آمد که ثروت را از نو توزیع کند». (ibid)

گفتنی است وجود روایات مشعر به حضرت مهدی (عجله الله تعالی فرجه) صرف ادعا نیست که فرنیس به این شکل آن را به حامیان مهدویت نسبت داده است، بلکه شارحان بزرگ اهل سنت بدان تصریح کرده‌اند؛ از جمله این روایت پیامبر اسلام (ص) که فرمود:

کیف أنتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم؛ (بخاری، بی تا - ب: ۶۳۳)
چگونه خواهید بود، هنگامی که فرزند مریم (ع) در میان شما نازل شود، در حالی که امام شما از خود شماست؟

شارحان برجسته صحیح بخاری، همچون ابن حجر عسقلانی (بی تا: ج ۶، ۴۹۱ - ۴۹۴) و قسطلانی (بی تا: ج ۷، ۴۰۷، ح ۳۴۴۹)، منظور از «امام» در این حدیث را مهدی موعود (عجله الله تعالی فرجه) دانسته‌اند.

همچنین، پنج نفر از بزرگان اهل سنت، روایتی را از صحیح مسلم نقل کرده‌اند که لفظ «مهدی» در آن آمده است؛ در حالی که در نسخه‌های کنونی این کتاب، این روایت وجود ندارد و حذف شده است؛ در روایت یادشده رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

المهدی من عترتی، هومن ولد فاطمة؛

مهدی [ﷺ] از عترت من و از فرزندان فاطمه [ﷺ] است.

پنج محقق اهل سنت که این روایت را به صراحت از صحیح مسلم نقل کرده‌اند، عبارت‌اند از: ابن حجر هیثمی (بی‌تا: ۲۴۹)، متقی هندی (۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۲)، شیخ محمد بن علی الصبان (صبان مصری، بی‌تا: ۱۴۵)، سلیمان بن ابراهیم القندوزی به نقل از صاحب جواهر العقدین (قندوزی، ۱۴۱۶: ۴۳۲) و شیخ حسن العدوی الحمزاوی المصری (حمزاوی، بی‌تا: ۱۱۲). از آن جا که این پنج نفر در سال‌ها و قرون متفاوتی زندگی می‌کرده‌اند، نسبت اشتباه دادن به همه آن‌ها بسیار بعید است. از این رو احتمال تحریف در صحیح مسلم و حذف روایاتی که نام حضرت مهدی [ﷺ] به صراحت در آن‌ها آمده، وجود دارد.

افزون بر این، اگرچه بخاری در کتاب صحیح، ظاهراً متعرض روایات مهدوی نشده، ولی در کتاب دیگرش این روایت را آورده است:

المهدی من ولد فاطمة؛ (بخاری، بی‌تا- الف: ۴۰۶، رقم ۳۴۹۷)

مهدی [ﷺ] از فرزندان حضرت فاطمه [ﷺ] است.

سوم، در گام بعدی به دیدگاه برخی از علمای شاخص اهل سنت استشهد می‌کنند و از جمله این علما، ابن تیمیه و سیوطی را نام برده‌اند. حتی برای افزودن بر فهرست علما، به افرادی کم‌اهمیت‌تر مانند محمد بن احمد بن سلیم السفارینی (م ۱۷۷۴م)، محمد بن احمد بن عثمان الذهبی (م ۱۳۴۸م) و عبدالوهاب الشعرانی (م ۱۵۶۵م) نیز اشاره کرده‌اند:

مهدی‌گرایان فهرستی بلندبالا از دانشمندان اهل سنت که ادعا می‌کنند متمایل به عقیده مهدویت‌اند، تهیه کرده‌اند. برای مثال، ابن تیمیه (م ۱۳۲۸م)، یکی از علمای معروف ضدعرفانی که نوشته‌های او ریشه و هابیت امروز در عربستان سعودی است، در فهرست آرمان مهدویت قرار داده شده است، به این عنوان که حداقل مشروعیت احادیث مهدویت را تصدیق کرده است. نویسنده مشهور دیگری که در این فهرست آورده شده است، مؤلف خردمند و اهل قلم مصری، جلال‌الدین السیوطی (م ۱۵۰۵م) نام مهدی [ﷺ] را در آموزه‌های خود آورده است. علاوه بر این دو دانشمند بنام مسلمان، ادعا شده گروهی از اندیشمندان کمتر معروف مسلمان نیز در این فهرست قرار گرفته‌اند. برای مثال، محمد بن

احمد بن سلیم السفارینی (م ۱۷۷۴م)، نویسنده مکتب دمشق و دارای تعدادی اثر درباره حدیث و مباحث مربوط به آن، محمد بن احمد بن عثمان الذهبی (م ۱۳۴۸م)، مؤلف دیگر اهل دمشق از دانشمندان رشته تاریخ، امامت و حدیث و عبدالوهاب الشعرانی (م ۱۵۶۵م) دانشمند صوفی مذهب در اوایل حکومت عثمانی در مصر. این چنین نقل قول های دسته بندی شده از فقهای مسلمان و مورد احترام در گذشته، امروزه بخشی از تلاش نویسندگان مهدی گراست که تا حد ممکن، شواهد بیشتری را برای تأیید مهدویت اعلام کنند. (ibid: 91)

برای نمونه به نقل دو تن از علمای اهل سنت اشاره می کنیم:

جلال الدین سیوطی شافعی (۷۴۹-۹۱۱ق) در کتاب *الحاوی للفتاوی*، بخشی را به احادیث مهدی علیه السلام اختصاص داده و آن را «العرف الوردی فی اخبار المهدی» نامیده است. سیوطی نیز بیش از دویست حدیث درباره حضرت مهدی علیه السلام آورده که در بین آن ها حدیث صحیح، حسن، ضعیف و مجهول وجود دارد. وی به هنگام ذکر حدیث، اسامی کسانی را که آن را نقل کرده اند را نیز ذکر می کند (الهامی، ۱۳۷۷).

شیخ محمد بن احمد السفارینی النابلسی الحنبلی (۱۱۱۴-۱۱۸۸ق)، در کتاب *لوائح الانوار البهیة وسواطع الاسرار الاثرية* می نویسد:

از جمله آن علائم روز قیامت که در اخبار به طور متواتر آمده، یعنی از نشانه های بزرگ آخرالزمان و نخستین آن، این است که امامی که به گفتار و کردار، مقتداست و خاتم و پایان بخش امامان است. ظاهر می گردد که هیچ امامی پس از او نخواهد آمد، همان طور که پیامبر، خاتم پیامبران است و هیچ پیامبر و رسولی پس از او نخواهد آمد. زبانش فصیح است؛ زیرا او از اعراب اصیل، اهل فصاحت و بلاغت است. نام او «محمد المهدی» است این نام، مشهورترین اوصاف اوست؛ زیرا «محمد» در چندین خبر آمده و در بعضی از آن ها گفته شده که اسمش «محمد» و نام پدرش «عبدالله» است. (الهامی، ۱۳۷۷)

چهارم. آنان سعی در عقلانی جلوه دادن احادیث مهدویت دارند. با این حال، فرمایش در این باره توضیحی نداده است و تنها می گوید: «مهدی گرایان سعی می کنند تردید خود را نسبت به عقاید مخالفان مهدویت، منطقی جلوه دهند» (ibid: 88). همچنانی در جایی دیگر گفته است: «طرفداران مهدی گرایی به دفاع و عقلانی کردن احادیث متنوع مهدویت می پردازند» (ibid: 91).

پنجم. علاوه بر این پاسخ ها، حربه آخر این است که روایات دال بر یکسانی مهدی و مسیح علیه السلام را ضعیف می دانند:

استدلال متقابل مهدی گرایان این است که روایاتی که این تبیین (یکی بودن مهدی علیه السلام و مسیح علیه السلام) را ارائه می‌دهند، ضعیف‌اند. (ibid)

ششم. سرانجام این که فرنیس معتقد است مهدی گرایان برای مخالفت مخالفان واقعی نمی‌نهند:

مؤلفان آثار مهدویت، انتقادات مخالفان را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند (ibid: 88). آنان می‌گویند: این خلدون با وجود نبوغ سرشارش، معصوم از خطا نبود (ibid: 91).

فرنیس درصدد تخطئه اهل سنت در چرایی پذیرش عقیده مهدویت است، درحالی که پاسخ‌های ارائه شده از سوی طرفداران را تلویحاً زیر سؤال می‌برد. همچنین وی پیش فرض‌های ذهنی دیدگاه خود نسبت به مهدویت را در ادبیات خویش داخل می‌کند. برای مثال، با به کار بردن لفظ «جعبه پاندورا» درباره مهدویت، به مخاطب غربی چنین القا می‌کند که جعبه مهدویت، محتوایی خطرناک دارد:

جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷- که اسرائیل با دفاعی شکننده از سوی ارتش‌های مرکب از خط حمله کشورهای عربی مواجه بود و به اشغال سینا، ساحل غربی، شرق فلسطین و ارتفاعات جولان در سوریه توسط اسرائیل انجامید - واقعه‌ای بنیادین بود که بار دیگر جعبه پاندورای مهدویت را در قرن بیستم گشود. (ibid: 88)

نویسنده، بحث مجدد از تفکر مهدویت را به «گشودن در جعبه پاندورا» تشبیه کرده است. امروزه اصطلاح «جعبه پاندورا»^۱ به معنای چیزی است که مشکلات زیاد و غیرمنتظره را به وجود می‌آورد و به عنوان ضرب‌المثل درباره مواردی استفاده می‌شود که فلاکتی بی‌علاج به بار آمده باشد (dictionary.cambridge.org). با توجه به افسانه‌های یونان باستان، پاندورا اولین زنی است که با همکاری خدایان خلق شد. زئوس جعبه‌ای به او داد که در آن به سختی باز می‌شد. کنجکاوی پاندورا موجب شد جعبه را بگشاید و تمام شر و بدبختی به جهان انسان‌ها جریان یابد (Pandora's box, n.d).

از نظر وی، اهل سنت مهدی‌گرا برای قبولاندن این احادیث بر کمیت و تعداد آن تأکید دارند، نه بر کیفیت احادیث. در واقع کثرت احادیث مهدویت دستاویزی برای حامیان آن است که به این وسیله، پایین بودن کیفیت آن را کم‌رنگ جلوه دهند:

1. Pandora's box

اهل سنت حامی مهدویت، برای تأیید احادیث مهدوی، تعداد این احادیث را در بوق و کرنا می‌کنند، به گونه‌ای که کمیت آن‌ها بر کیفیتش غلبه کند. (ibid: 91)

غالباً علت انکار مهدویت از سوی مخالفان، ناشی از تبعات باطلی است که به دنبال پذیرش آن حاصل می‌شود. آن‌چه تیموتی از ادله اعراب سنی فهمیده، این است که اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان برپاکننده عدل جهانی، موجب سستی و رخوت در جامعه اسلامی می‌گردد؛ زیرا این تفکر باعث می‌شود مسلمانان هیچ حرکت انقلابی از خود نشان ندهند. این دلیل در نظریات محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ق) و شاگرد وی رشید رضا وجود دارد. این اشخاص با رد شدید مهدویت، مهدی علیه السلام را همان عیسی علیه السلام می‌دانند:

مخالفان مهدی‌گرایی - یعنی کسانی که اصطلاحات موهن و تحقیرآمیزی درباره مهدویت به کار می‌برند - درباره خطرات پنهانی این عقیده هشدار می‌دهند. این خطر همان ایجاد حس بی‌تفاوتی و سستی است که توسط کسانی که در انتظار نجات از سوی مهدی علیه السلام هستند القا می‌شود. (ibid)

از نظر وی، حامیان مهدی‌گرا با تکنیک «فرار به جلو» به بیان علت مخالفت از سوی طرف مقابل می‌پردازند و آن دسته از علما که مخالف مهدویت‌اند، از جمله همان افرادی خواهند بود که در آخرالزمان به جای پذیرش دعوت حضرت مهدی علیه السلام به کمک دجال می‌شتابند:

معتقدان به مهدویت با یک فرار به جلو، نسبت به فرضیات مخالفان، از انگیزه مخالفت ایشان سؤال می‌کنند و می‌کوشند سؤالی تصنعی و بی‌پاسخ را بپرسند. برای مثال، علما و رهبران مؤسس، هنگام ظهور مهدی علیه السلام حامیان دجال خواهند بود. بنابراین افراد مردد درباره مهدویت دچار سرگشتگی خواهند شد. (ibid: 94)

فرنیس سخن فرانسیس فوکویاما^۱ در ارائه تصویری سکولار از آخرالزمان را ذکر کرده و سپس از یک قائل نامعلوم، سخنی دال بر تشابه نظریه پردازان غربی و نی‌نواز هاملن نقل می‌کند. در واقع این سخن استعاره‌ای مبنی بر تلاش برخی از مستشرقان و نظریه پردازان غربی مثل گلدزیهر، فوکویاما و هانتیگتون در اغوای مسلمانان و جلوگیری از توجه آنان به وظایف آخرالزمانی مسلمانان است:

فوکویاما در کتاب *پایان تاریخ و آخرین انسان*^۲ معتقد است با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، امروزه سرمایه‌داری دموکراتیک، آخرین واژه‌ای است که در تنازع ایدئولوژی‌ها باقی مانده

1. Yoshihiro Francis Fukuyama 1952 (age 63)
2. The End of History and the Last Man, Originally published: 1992

است. نیز ساموئل هانتینگتون^۱ در کتاب *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی دنیا* بیان می‌کند دنیای بعد از کمونیزم، دنیای برخورد بین تمدن‌هاست؛ مخصوصاً بین اسلام و غرب. فوکویاما به عنوان مثالی در نظر گرفته می‌شود که نقشه‌های شرورانه غرب را برای غلبه بر خاورمیانه و در نهایت کل جهان طرح‌ریزی می‌کند. از این‌رو گفته شده هانتینگتون نی‌نواز رنگین‌پوشی است که یک تئوری سکولار از نبرد دنیا ارائه می‌دهد و از این طریق روشنفکران مسلمانان را اغوا می‌کند که از وظایف مهم خود نسبت به نشانه‌های موجود در قرآن و حدیث درباره آخرالزمان غافل شوند. (ibid: 92)

نی‌نواز هاملن یا فلوت‌زن رنگارنگ هاملن - در آلمانی *Rattenfänger von Hameln* به معنای موش‌گیر هاملن، در انگلیسی *Pied Piper of Hamelin* به معنای نی‌نواز رنگین‌پوش هاملن - از داستان‌های اروپایی سده‌های میانه، مربوط به شهر هاملن در آلمان است. موضوع این داستان رفتن یا مرگ بیشتر کودکان این شهر است و نسخه‌های قدیمی این داستان، یک نی‌نواز سحرآمیز را علت ترک شهر توسط کودکان نامیده‌اند. در سده ۱۶ میلادی این داستان تبدیل به قصه‌ای کامل شد، به این مضمون که موش‌های مزاحم، شهر هاملن را دربر گرفته بودند و روزی سر و کله نی‌نوازی رنگین‌پوش با یک نی سحرآمیز در این شهر پیدا می‌شود و قول می‌دهد مشکل موش را حل کند. او با نواختن نی خود موفق می‌شود همه موش‌ها را از شهر به بیرون بکشاند. پس از آن، مردم شهر از پرداخت دستمزد توافق‌شده به نی‌نواز خودداری می‌کنند و او برای تلافی این کار، با نواختن آوازی دیگر با نی خود، همه کودکان شهر را افسون می‌کند و به بیرون از شهر می‌کشاند و با خود می‌برد.

به عقیده تیموتی فرنیش، مستشرقان متقدم و متأخر در این موضوع اتفاق نظر دارند که مخالفان مهدویت در انکار این عقیده، برده‌وار از متفکران غربی صرفاً تقلید می‌کنند؛ نظری که می‌توان به خود او نیز منتسب کرد، ولی صراحتاً در این بخش از نوشتار خود بیان نمی‌کند:

جالب است که مستشرقان قدیمی و نویسندگان جغرافیای سیاسی امروزی گاهی اوقات در یک موضع مشابه در رد مهدویت باهم جمع می‌شوند: «کسانی که در مقابل ایده مهدویت قرار می‌گیرند، صرفاً برده‌وار از متفکران غربی تقلید می‌کنند». اگرچه مسلمانان هرگز در پذیرش این عقیده تقلید نکردند، اما در حقیقت، برای مناقشه درباره مهدویت به دستاویزهای عقلانی ارائه شده از دانشمندان غربی برای تخریب اندیشه مهدویت همواره نیاز داشته‌اند. (ibid: 92)

1. Samuel Phillips Huntington (1927 -2008)

وی به این ترتیب نتیجه می‌گیرد ریشه اشکالات بررد مهدویت از سوی مخالفان سنی، به تفکرات مستشرقان بازمی‌گردد. اگرچه مخالفان همواره نیازمند دستاویزهای عقلانی متفکران غربی بوده‌اند، اما از آثار ابن‌خلدون و به نحو کمتری رشید رضا نیز متأثر شده‌اند. به عقیده وی، از آن‌جا که مهدی‌گرایی از ویژگی‌های مذهب شیعه به شمار می‌رود، این گروه سعی در تبری خود از عقاید تشیع داشته‌اند. اما با وجود تلاش در تنزیه خود، نتوانسته‌اند از راه فرار شیعه در پذیرش مهدویت استفاده نکنند (ibid).

در نگاهی کلی و آماری درباره منابع و عقاید اهل سنت نسبت به مهدویت، اعتقاد آنان «پذیرش» است و نه «انکار»؛ اما این‌گونه برداشت می‌شود که فرنیس در کتاب خود قصد دارد با پررنگ نشان دادن ادله مخالفان - آن‌هم با ریشه غربی‌اش - و نیز عمیق‌تر جلوه دادن فاصله بین موافقان و مخالفان، وزنه را به سمت مخالفان سنگین کند که خواننده در مواجهه با هر دو گروه، دیدگاه مخالفان را منطقی‌تر بداند. افزون بر این، تبلیغ نظریات مخالفان برای اصلاح اسلام و منعطف کردن اصول آن در جهت تعامل‌گرشی بین مسلمانان و غرب مفیدتر خواهد بود؛ یعنی اسلامی که در آن، چهره انقلابی مهدویت از شکل اسلامی به چهره مسیحی مسخ شود، بسیار ساده‌تر مورد استعمار و بهره‌برداری غرب قرار می‌گیرد و این همان هدفی است که استشراق استعماری و سیاسی در پی آن است.

همچنین فرنیس معتقد است در مقابل این دیدگاه، حامیان مهدویت به شدت از عقیده خود دفاع می‌کنند و علاوه بر انتقاد بر مخالفان مسلمان، به مستشرقانی مثل گلدزیهر^۱ به دلیل استناد ریشه احادیث مهدویت به شاکیان حکومت بنی‌امیه به سبب شرایط اجتماعی و سیاسی سخت ایشان، یا دوایت دونالدسون^۲ به علت جعلی خواندن تمام روایات مهدویت، اشکال وارد می‌کنند. اگرچه فرنیس درصدد بیان این نکته است که حامیان مهدویت - برخلاف طرف مقابلشان - از تفکر غربی پیروی نمی‌کنند، اما ریشه انتقادات مهدی‌گرایان را به کتاب *استشراق* نوشته ادوارد سعید^۳ فعال سیاسی فلسطینی - امریکایی بازمی‌گرداند. وی از کتاب یادشده به

1. Ignác Goldziher (1850 – 1921)

۲. Dwight Martin Donaldson (1884 - 1976) خاورشناس بریتانیایی است که پژوهش‌های بسیاری درباره شیعه انجام داد و کتاب *عقیده شیعه در امامت* را در سال ۱۹۳۱ و کتاب *مذهب شیعه* را در ۱۹۳۳ منتشر کرد. بخشی از این اثر درباره امامت و زندگی حسین بن علی علیه السلام و مشاهدات نویسنده از شهر کربلاست (<http://thesaurus.islamicdoc.org>).

۳. ادوارد ودیع سعید (۱۹۳۵ - ۲۰۰۳)؛ نظریه شرق‌شناسی (Orientalism) از ابتکارات فکری اوست که در مقاله‌ای با

عنوان یک شاهکار نام می‌برد و با جدل‌آمیز خواندن آن می‌کوشد نتیجه‌گیری سعید را درباره اهداف/استشراق، غیرواقعی جلوه دهد:

ادوارد سعید در شاهکار جدل‌آمیزش/استشراق در سال ۱۹۷۸، در یک کلمه می‌گوید: غربی‌هایی که بر روی موضوعات اسلامی و خاورمیانه تحقیق می‌کنند (مستشرقان) صرفاً به توجیه عقلانی و ایدئولوژیک کردن امپریالیسم می‌پردازند. (ibid)

فرنیش نگران ظهور مهدیان جدید از مشرق زمین است؛ چرا که با افزایش نشانه‌های ظهور، مدعیان مهدویت نیز افزایش پیدا خواهد کرد. از نظر وی، عامل آن فعالیت حامیان مهدویت است. همچنین فرنیش معتقد است، اگر بتوان میزان حمایت از مهدویت را در بین مسلمانان کاهش داد، احتمال ظهور متمهدان نیز به طور طبیعی کاهش پیدا می‌کند و این مساوی با کم کردن خطر تروریسم در جهان است.

از جمله اشکالات قابل تأمل نویسنده کتاب به اهل سنت مهدی‌گرا، این است که اهل سنت با وجود داشتن عقاید ضدشیعی، در باب پذیرش احادیث مهدویت به ادله‌ای که شیعیان استناد می‌کنند، متمسک می‌شوند. فرنیش از این حالت آنان به شیوه‌ای طنزآمیز سخن گفته و آن را به مثابه ضرب‌المثل «دیگ به دیگ می‌گوید: رویت سیاه» می‌داند! به طوری که سنی‌های مهدی‌گرا، شیعیان را به سبب تحت سلطه قرار گرفتن زیر پرچم مدعیان مهدویت به سخره می‌گیرند، اما ادله رقیب شیعی خود را در این موضوع مطرح نموده و از آن دفاع می‌کنند:

مهدی‌گرایان امروزی اهل سنت، کاملاً نسبت به تشیع انتقاد دارند، با این حال به تدریج اعتباریات شیعه را در جلوگیری از رد مهدویت اخذ کرده‌اند. برای مثال، در یک شرایط طنز که گفته می‌شود: «دیگ به دیگ می‌گوید: رویت سیاه»، به شیعه گفته می‌شود که آن‌ها تمایل دارند تحت سلطه متمهدان گردن نهند. (ibid: 93)

تیموتی فرنیش این نحوه برخورد اهل سنت حامی مهدویت را تخطئه می‌کند؛ زیرا این گروه از اهل سنت، هم از شیعه برائت می‌جویند و هم از ادله آنان برای اثبات مهدویت استفاده می‌کنند. وی در جایی دیگر می‌گوید:

کتاب امروزی اهل سنت درباره مهدی [علیه السلام] همان راهکارهای شیعه و صوفیه را دست کم برای رد نشدن دکتترین مهدویت در برابر مخالفان به کار بسته‌اند. اما به طور هم‌زمان، هر دو گروه [شیعه و صوفیه] را به دلیل عقاید نادرستی که درباره مهدویت ادعا کرده‌اند از

اعتبار ساقط می‌کنند. (ibid: 94)

تیموتی فرنیش، به شبیحی از دیدگاه شیعه با استناد به سخنان عبدالله الغاریبی - صاحب کتاب *روایات و گفته‌هایی درباره امام مهدی* چاپ شده در سال ۱۹۸۷ - اشاره می‌کند و آن را «عصاره‌گفتمان شیعی درباره مهدویت» می‌نامد (ibid: 93). الغاریبی در کتاب خود، چند نکته را یادآور می‌شود؛ از جمله این که:

۱. مهدیت بدعت شیعه نیست و اغلب علمای اهل سنت آن را می‌پذیرند.
 ۲. طول عمر حضرت مهدی علیه السلام از نظر علمی توجیه‌پذیر است و عمر انسان محدودیتی ندارد.
 ۳. طبق آموزه‌های قرآن کریم و تورات، حضرت نوح علیه السلام نزدیک یک میلیون سال زندگی کرده است.
 ۴. مهدویت شیعه به طور صحیح برای اهل سنت فهم نشده است.
 ۵. نگرانی امثال محمدعبده و رشیدرضا در صورتی صحیح است که از مهدویت به شیوه اهل سنت برداشت شود؛ زیرا طبق پذیرش اهل سنت، منجی آخرالزمان هنوز به دنیا نیامده است. بنابراین احتمال ایجاد سستی و رخوت در بین مسلمانان وجود دارد. اما اگر طبق آموزه‌های شیعی، بپذیریم که حضرت مهدی علیه السلام در میان مسلمانان زندگی می‌کند و هر زمانی امکان ظهورش وجود دارد، هرگز کسالت بین ایشان ایجاد نخواهد شد.
 ۶. شیعه و سنی باید در کنار یکدیگر قرار گیرند؛ زیرا آخر الزمان به سرعت در حال نزدیک شدن است.
- فرنیش در ادامه به نقل نظر از دانشمند شیعی به نام کورانی در کتاب *آماده‌کنندگان راه برای مهدی* علیه السلام (چشم به راه مهدی علیه السلام) می‌پردازد. از نظر وی، استدلال‌های این کتاب نیز مشابه کتاب الغاریبی است.
- فرنیش اعتقاد دارد سنی‌های مهدی‌گرا و شیعیان در رسیدن به انتظاری مشترک از حضرت مهدی علیه السلام با موانعی عمده روبه‌رو هستند. اعراب سنی معتقد به مهدویت با شیعیان، و به شکلی قابل انتظار با ایرانی‌ها، به طور شدید مشکل دارند (ibid).

نقاط قوت

برخی نکات قوت موجود در نگاهتۀ فرنیش عبارت‌اند از:

۱. اذعان به این که غالب مسلمانان - به ویژه اهل سنت - مهدویت را قبول دارند.
۲. اشاره به تلاش غربیان در کمرنگ کردن عقیده مهدویت.
۳. اعتقاد به تقلید مخالفان از ادله غربیان در مخدوش نشان دادن مهدی گرایی، به این معنا که مخالفان چیزی از خود ندارند.
۴. غیرموجه خواندن عملکرد اهل سنت حامی مهدویت به سبب دورویکرد متناقض؛ آنان شیعه را مردود اعلام می کنند، ولی از ادله شیعیان در اثبات مهدویت بهره می برند. اگرچه فرنیس از این کار، قصد عمیق تر کردن شکاف بین اهل سنت و شیعه را دارد، اما این سخن وی منطقی به نظر می رسد.
۵. تیموتی فرنیس در مقایسه با دیگر مستشرقان، به منابع بیشتری ارجاع داده است و به نظر می رسد سعی داشته بر خلاف هم قطارانش - فارغ از این که در این امر موفق بوده یا نه - ادله خود را مستند بیان کند.

نقاط ضعف

- برخی ضعف های موجود در بیان دیدگاه های به روز عامه مسلمانان از جنبه های مختلف شامل موارد زیر است:
۱. عدم تعریف جامع از کشورهای اسلامی و تحدید آنها به اهل سنت و از میان آنان، صرفاً به عرب زبانان.
 ۲. ایجاد رویکرد تهدید آمیز و خطرناک نسبت به تفکر مهدویت در مخاطب غربی، با گوشزد کردن افزایش احتمالی ظهور متمهدان با افزایش روحیه مهدویت میان مسلمانان.
 ۳. نام بردن از مجموعه ای به نام «سازمان جهان اسلام» و تثبیت ضمنی مرجعیت آن در بین کشورهای اسلامی در نظر مخاطب غربی، در حالی که این مرکز از سوی عربستان حمایت شده و در راستای تبلیغ فرهنگ و هابیت است.
 ۴. معرفی شخصیت حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه در قالب فردی مثل اسامه بن لادن.
 ۵. معرفی کتاب هایی با قدمت حداکثر پنجاه ساله به عنوان منابع دست اول در موضوع مهدویت.
 ۶. به کار بردن لفظ معنادار «جعبه پاندورا» برای مهدویت به منظور تداعی خطرناک بودن مفهوم آن و در نتیجه، دخالت دادن مفاهیم پیش فرض غربی در نگارش.

۷. رعایت نکردن اصل پیش‌داوری در نقل روایت و استفاده از ادبیاتی خاص برای غیرمنطقی خواندن اهل سنت حامیان مهدویت؛ نویسنده ادعا می‌کند صرفاً اشکالات سنی‌های مخالف مهدویت را به همراه پاسخ‌های اهل سنت نقل می‌کند، اما روح حاکم بر نوشتار حاکی از رویکرد منفی فرنیس در انکار پاسخ‌ها و کفایت نکردن ادله مهدویت در راضی کردن مخاطب است. عباراتی که وی درباره آنان به کار گرفته، از قبیل سعی در توجیه کردن، تهیه لیست بلندبالا، توجه کردن به مخالفان، تخطئه مخالفان، تلاش برای عقلانی کردن، ارائه پرسش‌های مصنوعی و بی‌پاسخ از مخالفان، فرار به جلو، تأکید بر کمیت احادیث مهدویت به جای کیفیت، جعلی بودن اغلب احادیث و ... است.

۸. فرعی قلمداد کردن شیعه به عنوان گروهی منحرف و اصالت‌بخشی به اهل سنت؛ زیرا حتی در انتخاب عناوین و معرفی کتاب یا سایت‌های مهدویت صرفاً به زبان عربی یا انگلیسی بسنده کرده است. فرنیس در این فصل، هرچند شیعه و سنی را با هم به کار برده، سنی را مقدم بر شیعه آورده است.

۹. ایراد اشکال به اهل سنت درباره رخنه روایات شیعی از سوی عبدالله بن سبأ و بدون پاسخ گذاشتن اشکال؛ فرنیس حتی به مناقشه‌انگیز بودن شخصیت عبدالله بن سبأ و عدم پذیرش وی از سوی شیعه اشاره‌ای نمی‌کند.

۱۰. تفکیک بین انتظار اصلاح شده اهل سنت - البته از نوع غربی‌اش - و مهدویت انقلابی شیعه با ایجاد تقابل بین اهل سنت حامی مهدویت و شیعه؛ وی حتی با وجود عقیده مشترک مهدویت - که به اذعان علمای شیعه می‌تواند از عوامل تقریب و وحدت بین شیعه و اهل سنت باشد - سعی در عمیق‌تر نشان دادن اختلاف بین دو فرقه در این باره دارد که از این رهگذر، اهل سنت را از تفکر انتظار به سبک شیعی انقلابی منزّه کند و آنان را به سمت انتظار انفعالی سوق دهد.

۱۱. کاربرد ناتمام واژه unbroken به جای مفهوم «متواتر»؛ وی در به کار بردن معادل واژه متواتر به طور صحیح عمل کرده است؛ چرا که متواتر بودن، افزون بر عدم قطع سند، به روایت گروهی حدیث نیز اشاره دارد، به گونه‌ای که هماهنگی آن‌ها بر دروغ بعید باشد.

سرانجام چنین برداشت می‌شود که فرنیس در ابتدا با لحنی منطقی و علمی به تقسیم‌بندی دیدگاه‌ها پرداخته و ادله هر یک از گروه‌ها را نیز بیان کرده است؛ اما در خلال آن، در پی هدف اصلی خود مبنی بر ادامه راه دیگر مستشرقان در کم‌رنگ نشان دادن استدلال‌های

مهدی‌گرایان، می‌کوشد با گرفتن روحیه انقلابی برگرفته از مهدویت از مسلمانان، خطرات قیام‌های احتمالی را به سود غرب کنترل کند.

نتیجه‌گیری

عقیده مهدویت از جهت سیاسی، دارای اهمیت بوده و همواره موجب تحریکات انقلابی و سیاسی در کشورهای اسلامی شده است. وقوع انقلاب اسلامی به عنوان دولت شیعی و نشر عقیده مهدویت و نیز قیام‌هایی علیه حکومت سعودی در عربستان با نام مهدویت، سبب شد بار دیگر مهدی‌گرایی در جهان معرفی شود و توجه استشرق بدان جلب گردد.

با توجه به دیدگاه‌های تیموتی فرنیش به عنوان یک مستشرق مسلط به زبان عربی و آشنا با تاریخ اسلام و فرق اسلامی، بررسی چگونگی فهم وی از عقیده مهدویت بین مسلمانان ضرورت پیدا می‌کند. بنابراین برای برنامه‌ریزی در تعاملات بین‌المللی و گسترش فرهنگ صحیح مهدویت شیعی، بی‌نیاز از درک میزان و نحوه فهم طرف غربی نخواهیم بود. بر اساس آن‌چه در این نوشتار بررسی شده است، می‌توان گفت تیموتی فرنیش در فصل چهارم از کتاب *مقدس‌ترین جنگ‌ها*، بر چندین محور تأکید کرده است. وی نخست، مقدمه‌ای طولانی درباره اهمیت مقوله مهدویت بین اعراب سنی بیان می‌کند و درباره افزایش مهدی‌گرایی بین مسلمانان و احتمال وقوع حرکت‌های تروریستی منبعت از آن هشدار می‌دهد. سپس به دسته‌بندی کتاب‌هایی که در به پنجاه سال اخیر در این باره نگاشته شده‌اند می‌پردازد و آن‌ها را بر اساس دیدگاه جانبداران یا انکارانه از مهدویت تقسیم می‌کند. وی رشد چشمگیر این کتاب‌ها را نشانه پررنگ شدن این عقیده بین مسلمانان برمی‌شمرد. بحث اصلی جایی است که وی مشکلات پیش روی سنی‌های مهدی‌گرا را بر اساس کتب خود اهل سنت بیان می‌کند و در مجموع شش چالش را برای ایشان جمع بندی می‌نماید. این مشکلات عبارت‌اند از ضعف احادیث مهدویت، جعل، عقیده وارداتی، مخالف علمای شاخص اهل سنت با احادیث مهدویت و فقدان آن روایات در صحیحین. پاسخ‌های داده شده با سیری مشخص در کتاب‌ها شامل غلبه مطلق احادیث مهدویت بر ضعف آن‌ها، تواتر روایات، وجود احادیث صحیح، بیان این‌که جعلی بودن اتهامی از سوی حکام ظالم بوده برای جلوگیری از قیام‌های احتمالی و توجیه فقدان احادیث در صحیحین است. این توجیه غالباً به سه شکل دیده می‌شود: وجود احادیث در منابع روایی دیگر و جبران آن، اشاره ضمنی بخاری و مسلم به مهدویت در

صیحیحین و استشهداد به قول علما و تهیه لیستی بلندبالا از ایشان در پذیرش مهدویت. از نظر تیموتی فرنیس، اهل سنت مهدی گرا برای اثبات ادله‌ای خود به شیعه متوسل می‌شوند و مخالفان مهدویت نیز به دستاویزهای عقلانی متفکران غربی متمسک می‌گردند. به عقیده وی، دو گروه سنی و شیعه برای داشتن یک فهم مشترک از مهدویت با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند.

فرنیس به دو کتاب از کتب علمای شیعه، عبدالله الغاریبی و کورانی به نام *روایات و گفته‌هایی درباره امام مهدی (عج) و آماده‌کنندگان راه برای مهدی (عج)* اشاره کرده و در لزوم فهمی مناسب‌تر از دیدگاه شیعه را نزد اهل سنت بیان می‌کند.

در پایان، به نظر می‌رسد فرنیس از نگاه یک غربی مسیحی به دنبال اصلاح دیدگاه مسلمانان به شیوه غربی است که بتواند از این طریق، با ایجاد رویکردی اعتدالی، مواجهه انقلابیون مهدی‌گرا و غرب را از حالت مخاطره‌آمیز بودن برهاند و این اندیشه را بی‌خطر سازد.

منابع

- الهامی، داوود، (۱۳۷۷ش)، *امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت*، بی جا، مکتب اسلام.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا - الف)، *تاریخ الکبیر*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- _____ (بی تا - ب)، *صحیح بخاری*، بیروت، دار الجیل.
- حمزوی، حسن بن العدوی (بی تا)، *مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار*، مصر، بی نا.
- دهقانی آرانی، زهیر (۱۳۹۴ش)، *بررسی و نقد نظریات تیموتی فرنیس و جوئل ریچادسون در زمینه مهدویت*، پایان نامه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
- رحمانی، محمد (۱۳۷۶ش)، «بحث‌های مقارن در علم الحدیث (۲)»، فصل نامه علوم حدیث، شماره ۵، قم، دارالحدیث.
- السادة، مجتبی (۱۳۸۷ش)، «ادعاهای دروغین»، ترجمه: سید شاپور حسینی، ماه نامه موعود، سال سیزدهم، شماره ۹۱.
- «سازمان رابطه العالم الاسلامی در یک نگاه» (۱۳۸۵ش)، ماه نامه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۲۵، تهران، معاونت ارتباطات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- شهرورزی، ابن الصلاح (بی تا)، *علوم الحدیث*، تحقیق و شرح: نور الدین عتر، دمشق، دارالفکر.
- صبان مصری، محمد بن علی (بی تا)، *اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بیته الطاهرین*، مصر، بی نا.
- عسقلانی (ابن حجر) احمد بن علی بن محمد (بی تا)، *فتح الباری*، بیروت، دار المعرفة.
- فقیه ایمانی، مهدی (۱۳۷۶ش)، *اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن*، قم، چاپخانه نمونه.
- قسطلانی، احمد بن محمد بن ابی بکر (بی تا)، *ارشاد الساری*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *ینابیع المودة*، قم، اسوه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ دوازدهم.
- هیثمی (ابن حجر)، احمد بن محمد (بی تا)، *الصواعق المحرقة*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- "Islam Through Western Eyes", The Nation April 26, 1980, <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/pandora-s-box>

- _ Pandora's box. (n.d.). *The American Heritage, New Dictionary of Cultural Literacy*, Third Edition. Retrieved May 06, 2016 from Dictionary.com website <http://www.dictionary.com/browse/pandora-s-box>
- _ Timothy R. Furnish (2005), *Holiest Wars*, Praeger Publishers, 88 Post Road Westport, United States of America.
- _ <http://www.thenation.com>
- _ <http://thesaurus.islamicdoc.org>
- _ <https://fa.wikipedia.org>
- _ <https://about.me/trfurnish>
- _ <http://www.wikistrat.com/experts/dr-timothy-furnish>
- _ <http://www.amazon.com/Timothy-R.-Furnish/e/B001KDHY64>

